

خبر	
نفت به مرز ۹۰ دلار رسید مذاکرات ایران و آمریکا دوباره بازار انرژی را شوک کرد	
قیمت نفت روز دوشنبه افزایش یافت؛ زیرا کاهش امیدها به پیشرفت در مذاکرات صلح میان ایران و آمریکا و کاهش تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز، نگرانی‌ها درباره ریسک‌های ژئوپلیتیکی در بازار نفت را افزایش داد. به گزارش خبرنگاران، رويترز نوشت: قیمت نفت خام برنت حدود یک درصد افزایش یافت و به ۸۹.۴۰ دلار در هر بشکه رسید. برنت در آخرین معاملات با ۷۲ سنت افزایش، معادل ۰.۸۱ درصد، در سطح ۸۹.۲۰ دلار معامله شد. قیمت نفت خام وست‌تگزاس اینترمیدت آمریکا نیز ۴۴ سنت افزایش یافت و به ۸۲.۸۳ دلار در هر بشکه رسید. هر دو شاخص نفتی در هفته گذشته و پس از گزارش‌هایی درباره حمله به نفتکش‌های تحت مدیریت شرکت ملی نفت ایوپی (اندوک) در تنگه هرمز و همچنین حمله به پالایشگاه آرامکو عربستان سعودی، بیش از ۵ درصد افزایش یافتند. در همین حال، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در طول تعطیلات آخر هفته اعلام کرد که ایران هنوز تصمیمی برای ازسرگیری مذاکرات با آمریکا نگرفته است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز از شهروندان این کشور خواسته است در شرایط ادامه درگیری، افزایش نسبی قیمت بنزین را بپذیرند. پرایانکا ساچدوا، رئیس بخش تحلیل بازار در فیلیپس نود در سنگاپور، گفت قیمت نفت تقریباً به‌طور کامل از پایین‌ترین سطح خود در اوایل ماه اوت بازیابی شده است؛ زیرا امیدها به دستیابی به یک راه‌حل پایدارتر میان ایران و آمریکا کاهش یافته و ریسک‌های ژئوپلیتیکی بار دیگر به بازار بازگشته‌اند. او افزود: «با این حال، از این سطح انتظار افزایش محدودی دارم، مگر اینکه شواهد روشنی از تشدید دوباره تنش‌ها در تنگه هرمز، به‌ویژه آسیب جدی به نفتکش‌ها یا زیرساخت‌های نفتی، مشاهده شود.» داده‌های منتشرشده در روز دوشنبه نشان داد که پس از حملات گزارش‌شده به نفتکش‌ها، تردد دریایی از تنگه هرمز در آخر هفته شدیدتر از تنگه هرمز در آخر هفته قبل، ۳۱ کشتی از تنگه هرمز عبور کرده بودند. کاهش شدید تردد کشتی‌ها، نگرانی‌ها درباره اختلال در مسیر انتقال نفت از این آبراه حیاتی را افزایش داده و به رشد قیمت‌ها در بازار جهانی نفت امان زده است. خبرگزاری دولتی امارات، وام، نیز گزارش داد که امارات متحده عربی ایران را به حمله به سومین کشتی تحت مدیریت شرکت اندوک متهم کرده است؛ این کشتی روز جمعه در حال عبور از تنگه هرمز بوده است. امارات پیش‌تر نیز ایران را مسئول دو حادثه دیگر مربوط به کشتی‌های اندوک در تنگه هرمز در عصر پنجشنبه دانسته بود.	

روند تورم تا پایان سال افزایشی است

وضعیت اقتصادی مملکت به جایی رسیده که دیگر برای اثبات بحرانی بودن شرایط، نیازی به مرور آمارهای پیچیده مراکز تحقیقاتی یا بررسی شاخص‌های دور از دسترس بانک مرکزی نیست. فارغ از واقعیت‌های اقتصادی و تنگنای معیشتی که مردم گرفتار آن بوده و هر روز آن را زیست می‌کنند؛ کافی است نگاهی به تکیاهای کم‌سابقه در صحن بهارستان و سخنان چهره‌های علمی و دولتی ببینازید تا مقیاس واقعی شکستگی وضعیت موجود بر ملا شود.

به گزارش اقتصاد۲۴، ارائه یک «طرح سه فوریتی» از سوی یکی از نمایندگان مجلس برای آنچه خود «نجات اقتصاد کشور» نامیده، آشکارترین نشانه‌ای است که ثابت می‌کند اتاق تصمیم‌گیری نیز به اضطراری بودن شرایط پی برده است. وقتی صحن مجلس ناچار می‌شود از سه فوریت که در مواقع خاص و حساس و اضطراری به کار گرفته می‌شود، استفاده کند؛ پیام واضح است ، یعنی وضعیت اقتصادی کشور از مرز هشدارهای متعارف گذشته و به نقطه انقباض شدید رسیده است.

سه فوریت؛ نسخه نجات با اعتراف به اضطرار؟

اعلام خبر تدوین یک طرح سه فوریتی اقتصادی با عنوان «قانون اقتصاد مقاومتی» از سوی پیمان فلسفی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، توجه محافل رسانه‌ای و اقتصادی را به خود جلب کرده است. فلسفی که پیشینه تخصصی‌اش در حوزه کشاورزی و توسعه روستایی تعریف می‌شود، در توضیح لزوم ارائه چنین طرح شتابانی تأکید کرده که اقتصاد کشور نیازمند جراحی واقعی است و مسئله تورم و معیشت با شوک درمانی‌های مقطعی حل نمی‌شود. او صراحتاً به خطر تثبیت نشدن نرخ ارز و تأثیر مستقیم گران شدن سوخت بر هزینه تولید غذا اشاره کرده و خواستار تصویب اضطراری قانونی برای نجات اقتصاد شده است.

اما فارغ از جزئیات و میزان امکان‌پذیری فنی این طرح، مسئله اصلی در ساختار قانونی کشور این است که «سه فوریت» در ادبیات حقوقی و پارلمانی ایران، ابزاری خاص است که تنها در حساس‌ترین مقاطع به کار می‌رود؛ لذا ورود نمایندگان به این سطح از شتاب، بیش از آنکه نشان‌دهنده یک نقشه راه پخته باشد، نماد نوعی هراس جدی از تعمیق بحران معیشتی است.

ابر تورم یا ورود به مرحله فلاکت؟

از سوی دیگر شاهدیم که برخی دانشگاهیان و صاحب‌نظران شاخص اقتصادی با ادبیاتی صریح‌تر به کالبدشکافی این اوضاع پرداخته‌اند. فرشاد مومنی، استاد اقتصاد و از چهره‌های صاحب‌نام این حوزه، اخیر در اظهاراتی هشداري عنوان کرده که ایران عملاً وارد مرحله «ابرتورم» شده و شاخص‌های معیشتی نشان‌دهنده ورود جامعه به دوره «فلاکت» است. او اگرچه در ادبیات کلاسیک اقتصاد، تعاریف دقیق و مشخصی برای ابرتورم وجود دارد - مانند نرخ‌های ماهانه بالای ۵۰ درصد که نمونه‌های تاریخی آن در نوزول‌ها یا زیمبوه‌ایث شده است- و برخی کارشناسان

شوگ تورمی یا افزایش قیمت حامل‌های انرژی

همراه است و همواره درباره نحوه محاسبه و حتی دستکاری آمار بحث‌هایی وجود داشته است.» او افزود: «با این حال، بیش از آنکه صرفاً روی عدد تورم متمرکز شویم، می‌توانیم روند آن را نسبت به گذشته بررسی کنیم. در این زمینه مشاهده می‌کنیم که تورم فزاینده بوده و در برخی دوره‌ها رشد قابل‌توجهی داشته است.»

بغزبان درباره مهم‌ترین عوامل افزایش تورم گفت: «برخی معتقدند ناترازی‌ها عامل اصلی هستند و برخی دیگر نرخ ارز را دلیل افزایش تورم می‌دانند. آقای پزشکیان نیز افزایش تورم را به جنگ نسبت داده است. به نظر من تورم امروز محصول مجموعه‌ای از این عوامل است و حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه نیز تأثیر قابل‌توجهی خواهد داشت.»

این استاد اقتصاد دانشگاه تهران با اشاره به افزایش قیمت‌ها در روزهای اخیر گفت: «سؤال این است که دلیل افزایش قیمت‌ها در یک هفته اخیر چیست و در این مدت چه اتفاقی افتاده که قیمت‌ها پاید تا این اندازه افزایش پیدا کنند؟ وضعیت اقتصادی ما قطعاً وخیم‌تر شده است، اما نمی‌توان پذیرفت که افزایش قیمت‌ها به‌صورت روزانه و مستمر ادامه داشته باشد.»

او ادامه داد: «تا پایان سال نباید اجازه دهیم قیمت‌ها بدون کنترل افزایش پیدا کنند. دولت باید مانع افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها شود. امروز قیمت محصولاتمان مانند ماست و میوه مرتب تغییر می‌کند و این نشان می‌دهد دولت وظایف نظارتی

سه فوریت برای نجات اقتصاد: نسخه درمان یا اعلام وضعیت قرمز؟

اعترافی دیر هنگام به بحران معیشت

اقتصاد ایران دیگر فقط با شاخص‌های تورم و کسری بودجه سنجیده نمی‌شود؛ وقتی مجلس برای «نجات اقتصاد» به سراغ طرح سه‌فوریتی می‌رود و اقتصاددانان از «ابرتورم» و «فلاکت» سخن می‌گویند، نشانه آن است که بحران از سطح هشدار عبور کرده است.



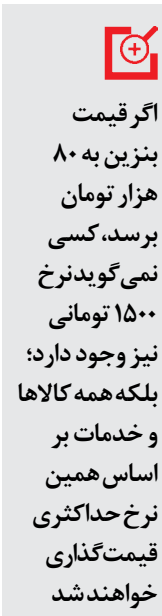
بر این باورند که ایران هنوز به آن نقطه فروپاشی کامل نرسیده، اما بحث بر سر ادبیات فنی نمی‌تواند پولی ملموس سفره‌های مردم را کتمان کند.

بحث‌های آکادمیک درباره اینکه آیا نرخ تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی مزمن در ایران با تعریف آکادمیک ابرتورم تطبیق دارد یا خیر، برای شهروندی که قدرتش برای تأمین حداقل‌های معیشتی روزبه‌روز تحلیل می‌رود، هیچ پاسخی ندارد. مسئله اصلی، انباشت ده ساله تورم‌های سنگین و افول شدید قدرت خرید است. چه این وضعیت را با سنجه‌های سخت‌گیرانه دانشگاهی «ابرتورم» بنامیم و چه آن را «تورم مزمن بی‌مهار»، نتیجه عملی آن برای جامعه یکسان بوده و چیزی غیر از افت مداوم ارزش پول ملی، نابودی پس‌اندازهای خرد طبقه متوسط و دهک‌های محروم، و بی‌ثری کامل افزایش‌های سالانه دستمزد در برابر جهش‌های مداوم قیمت کالاها نیست.

نرخ تورم انباشته در طول سال‌های اخیر، موتور ساختار خرابی فقر شده و هرگونه افق برنامه‌ریزی اقتصادی را از بنگاه‌های تولیدی و خانوارها سلب کرده

دولت میان کسری بودجه و سفره مردم گیر کرده است

نگاهی به موضع‌گیری‌های اخیر مسعود پزشکیان و مسئولان ارشد دولت چهاردهم نیز نشان می‌دهد که باستورنشیبان خود به خوبی بر عمق این چالش‌ها واقفند. رئیس‌جمهور در سخنان اخیر خود با صراحتی کم‌نظیر به مسئله ناترازی‌های گسترده انرژی و بودجه اشاره کرد. او با اشاره به بحران شدید برق و گاز که حتی سرمایه‌گذاری‌های نیروگاهی جدید را هم با چالش سوخت‌رسانی مواجه کرده، تأکید کرد که در شرایط



اگر قیمت

بنزین به ۸۰

هزار تومان

برسد، کسی

نمی‌گوید نرخ

۱۵۰۰ تومانی

نیز وجود دارد؛

بلکه همه کالاها

و خدمات بر

اساس همین

نرخ حداکثری

قیمت‌گذاری

خواهند شد

مجلس و هیچ بسته حمایتی در دولت، بدون حل مسئله اساسی تحریرها و عدم پیوستن به زنجیره‌های ارزش جهانی نمی‌تواند معجزه کند. طرح‌های داخلی و تصمیمات فوری، هرچقدر هم که با حسن نیت تدوین شده باشند، در نهایت مسکن‌هایی برای مدیریت بحران باقی خواهند ماند. شریان اصلی حیات اقتصاد ایران، نیازمند تزریق منابع مالی تازه، تکنولوژی‌های نوین برای نوسازی صنایع انرژی، و امکان فروش آزادانه محصولات و مبادلات بانکی است؛ و این مهم جز از طریق یک دیپلماسی فعال، هوشمندانه و شجاعانه برای کاهش تنش‌های بین‌المللی و گشایش راه‌های مذاکره به دست نمی‌آید.

اقتصاد ایران در نقطه تصمیم

ورود اقتصاد ایران به مرحله‌ای که مسئولانش ناچار به توسل به ابزارهای اضطراری مانند سه فوریت می‌شوند و کارشناسانش از مرحله فلاکت سخن می‌گویند، یک رنگ خطر قاطع و نهایی است. دیگر فرصتی برای آزمون و خطا، شوک درمانی‌های بی‌برنامه و انداختن بار شوک‌های بین‌المللی و دوش سفره‌های مردم باقی مذاکره به دست نمی‌آید.

اداره اقتصاد کشور در این نقطه تاریخی، مستلزم اتخاذ تصمیم‌های شجاعانه و بزرگ در سیاست خارجی و اصلاحات ساختاری در داخل است. اگر گشایش جدی در پرونده روابط اقتصادی بین‌المللی رخ ندهد و ریشه اصلی کسری‌ها و تحریم‌ها برطرف نشود، حتی فوری‌ترین طرح‌های مجلس نیز در گرداب تورم و ناترازی فرو خواهند رفت. جامعه ایران نیازمند آرامش، افق روشن و کاهش واقعی فشارهای معیشتی است و این امر تنها زمانی محقق می‌شود که واقع‌گرایی و جدیت جایگزین شعارهای پرهیزنه شود.

بازار و سرمایه

خبر	
قیمت جدید مرغ در بازار مرغ ۲۴۶ درصد گران شد	
بررسی قیمت مرغ در فاصله ۲۶ مرداد ۱۴۰۴ تا ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد قیمت مرغ کامل تازه طی یک سال حدود ۲۴۶ درصد افزایش یافته و از ۱۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان به ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. به گزارش خبرنگاران، قیمت مرغ در حالی به کیلوپی چهارصد هزار تومان رسیده است که بررسی‌ها نشان می‌دهد در ۲۶ مرداد ۱۴۰۴، هر کیلوگرم مرغ کامل تازه بسته‌بندی کیسه‌ای ۱۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت داشت. در همان روز، ران مرغ بدون پوست ۱۵۵ هزار و ۵۰۰ تومان، سینه مرغ بدون پوست ۲۳۰ هزار و ۵۰۰ تومان و فیله مرغ ۲۷۰ هزار تومان عرضه می‌شد. مقایسه دو قیمت نشان می‌دهد بهای هر کیلو مرغ کامل طی یک سال بیش از ۲۴۶ درصد افزایش یافت. در سال گذشته در روز ۲۶ مرداد ماه بهای هر کیلو مرغ ۱۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان بود اما حالا هر کیلو مرغ به نرخ ۴۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود. افزایش ۲۸۴ هزار تومانی بهای هر کیلو مرغ در حقیقت به معنای رشد ۲۴۶ درصدی قیمت این ماده غذایی است. به بیان ساده، مرغ کامل که یک سال پیش کیلوپی حدود ۱۱۵ هزار تومان فروخته می‌شد، اکنون به حدود ۴۰۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی مصرف‌کننده برای خرید یک کیلو مرغ، حدود ۲۸۵ هزار تومان بیشتر از سال گذشته پرداخت می‌کند. افزایش قیمت در قطعات مرغ نیز قابل توجه است. در ۲۶ مرداد ۱۴۰۴، فیله مرغ ۲۷۰ هزار تومان قیمت داشت، در حالی که در ۲۶ مرداد امسال، فیله مرغ ممتاز تازه به ۷۲۰ هزار تومان رسیده است. به این ترتیب قیمت این قلم طی یک سال بیش از ۳۴۲ درصد افزایش یافته است. سینه مرغ بدون پوست نیز از ۲۳۰ هزار و ۵۰۰ تومان در ۲۶ مرداد سال گذشته به ۹۰۰ هزار تومان در ۲۶ مرداد امسال رسیده است؛ افزایشی حدود ۲۹۰ درصدی. این مقایسه نشان می‌دهد افزایش قیمت در بازار مرغ طی یک سال گذشته تنها به مرغ کامل محدود نبوده و برخی قطعات، به‌ویژه فیله و سینه مرغ، رشد بسیار بیشتری را تجربه کرده‌اند. مرغ یکی از مهم‌ترین منابع پروتئین در سبد غذایی خانوارهای ایرانی است. رشد ۲۴۶ درصدی قیمت مرغ کامل در یک سال، در شرایطی که قیمت قطعاتی مانند فیله و سینه حتی بیشتر افزایش یافته، می‌تواند فشار هزینه‌ای قابل توجهی بر خانوادهایی وارد کند که به دلیل گرانی آبگوشت قرمز، مرغ را جایگزین آن کرده‌اند.	

دولت در زمینه تأمین کالاهای اساسی اظهار کرد: «دولت دو سال است که روی کار آمده و باید پیش از این برای تأمین منابع استراتژیک مورد نیاز داخل، دست‌کم به اندازه نیاز یک سال کشور، برنامه‌ریزی و ذخیره‌سازی می‌کرد. از روز نخست روی کارآمدن دولت چهاردهم احتمال جنگ بود.» گفتنی است اقدام به ترور اسماعیل هنیه، از رهبران حماس در تهران، درست یک روز پس از مراسم تحلیف مسعود پزشکیان ترور شد. او افزود: «دولت آینده نگر۱ لازم را نکرد و در مقابل، واردکنندگان کالاهای را با دلار وارد و در انبارها ذخیره کرد و اکنون سود این وضعیت را می‌بردند و به قیمتی گزاف کالاهای وارداتی خود را می‌فروشتند. دولت باید مدیریت بهتر بر منابع ارزی را پیش از جنگ آغاز می‌کرد.» این استاد اقتصاد دانشگاه تهران گفت: «قطعی به معنای کمبود کالا و محصول کاهش عرضه است و این مسئله نباید بهانه‌ای برای افزایش قیمت‌ها باشد. اکنون قصابی‌ها مملو از گوشت هستند، اما بسیاری از مردم توان خرید آن ندارند. این وضعیت را نمی‌توان مقابله با قطعی یا کمبود نامید. زیرا کمبود هست اما نه برای صاحبان ثروت‌های بزرگ.» بغزبان در پایان تأکید کرد: «امروز بسیاری از کالاها در کشور وجود دارند، اما قیمت آنها آن‌قدر افزایش یافته که دیگر به دست مردم و عموم جامعه نمی‌رسند. نتیجه این وضعیت آن است که بسیاری از مردم مصرف گوشت و حتی لبنیات را به حداقل رسانده‌اند.»

این دو رویکرد کمکی به بهبود شرایط اقتصادی کشور نمی‌کنند.» او در واکنش به این استدلال که «چرا افراد مرفه باید بنزین ارزان مصرف کنند»، گفت: «این استدلال، یک حرف پوپولیستی است. اینکه گفته شود اگر قیمت بنزین را به ۸۰ هزار تومان برسانیم، فشار چندانی بر سرمایه‌داران وارد نمی‌شود، به این دلیل که آنها هزینه را روی قیمت کالاهای خود منتقل می‌کنند، در نهایت دود این تصمیم به چشم کارمندان و کارگرانی خواهد رفت که همین امروز نیز دستمزد آنها زیر خط فقر قرار دارد.» بغزبان ادامه داد: «اگر قیمت بنزین به ۸۰ هزار تومان برسد، کسی نمی‌گوید نرخ ۱۵۰۰ تومانی نیز وجود دارد؛ بلکه همه کالاها و خدمات بر اساس همین نرخ حداکثری قیمت‌گذاری خواهند شد. بنابراین چنین اقدامی به زیان اقشار فرودست و مزدبگیر جامعه خواهد بود و از آن‌جایی که دولت هم از هر نظارتی بر قیمت‌ها خودداری می‌کند، تبعات تورمی این اقدام بیش از انتظار خواهد بود.»

او با اشاره به آثار افزایش هزینه حمل‌ونقل گفت: «کرایه تاکسی و هزینه حمل‌ونقل که همین‌حال‌نیز افزایش قابل‌توجهی داشته، مستقیماً بر زندگی اقشار فرودست اثر می‌گذارد. زیرا افزایش هزینه انرژی به سایر بخش‌های اقتصاد نیز منتقل خواهد شد. از سوی دیگر، نظارت نیز کنار گذاشته شده است و مجموعه این عوامل می‌تواند تورمی حتی بیشتر از میزان مورد انتظار به جامعه تحمیل کند.»

بغزبان در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از عملکرد

خود را رها کرده است. بنابراین دلیل منطقی وجود ندارد که قیمت‌ها هر روز به این شکل افزایش پیدا کنند.» بغزبان درباره چشم‌انداز تورم در نیمه دوم سال نیز گفت: «به نظر می‌رسد روند افزایش قیمت‌ها در نیمه دوم سال نیز ادامه داشته باشد، زیرا دولت تاکنون اقدام مؤثری برای متوقف کردن این روند انجام نداده است.»

او با اشاره به بحث افزایش قیمت بنزین اظهار کرد: «اکنون دولت در حال زمینه‌چینی برای افزایش قیمت بنزین است. در صورت افزایش نرخ بنزین، مطمئناً تورم نیز افزایش خواهد یافت و به همین دلیل نسبت به روند آتی اقتصاد خوش‌بین نیستیم.» این استاد اقتصاد دانشگاه تهران درباره تبعات افزایش قیمت حامل‌های انرژی گفت: «افزایش قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند تکان‌دهنده باشد. ما در گذشته بارها افزایش قیمت‌ها را تجربه کرده‌ایم و سیاست شوک‌درمانی را نیز اجرا کرده‌ایم.» بغزبان با اشاره به اختلاف نظر درباره نحوه اجرای سیاست افزایش قیمت‌ها افزود: «در میان مدافعان افزایش قیمت حامل‌های انرژی، برخی معتقدند باید شوک‌درمانی انجام شود بر برخی دیگر بر ضرورت اطلاع‌رسانی قبلی و افزایش تدریجی قیمت‌ها تأکید دارند. مدافعان شوک‌درمانی نیز معتقدند قیمت‌ها باید با سرعت افزایش پیدا کنند. اما اگر دولت بدون در نظر گرفتن تبعات این تصمیم اقدام به افزایش قیمت حامل‌های انرژی کند، قیمت‌ها نیز به‌سرعت افزایش خواهند یافت. به نظر من امروز هیچ کدام از

از ۲۷ بانک، ۱۴ بانک کفایت سرمایه ندارند!

افشای بحرانی پنهان در شبکه بانکی

ریسک است؛ شاخصی که نشان می‌دهد یک بانک تا چه حد می‌تواند صدمات ناشی از ریسک‌های غیرمنتظره و مطالبات مشکوک‌البحران را تحمل کند. وقتی بیش از ۵۰ درصد بانک‌های یک کشور توانایی برآورده کردن حداقل‌های این شاخص را ندارند، به این معناست که بخش عمده‌ای از سپرده‌های مردم در ساختارهای سپرده‌گذاری شده که در برابر کوچک‌ترین تکانه‌های اقتصادی خلع سلاح هستند.

ریشه این بحران را باید در فرآیند ناسالم تاسیس و شبکه رانتی شکل‌گیری برخی مؤسسات و بانک‌ها جست‌وجو کرد. سال‌هاست که گروه‌های نفوذ، بنگاه‌ها و باندی خاص با حداکثر ریزنی و حداقل سرمایه اولیه واقعی، توانسته‌اند مجوز تاسیس بانک دریافت کنند. در این میان، نظارت بانک مرکزی غالباً شکلی، منفعلانه و فاقد ضمانت اجرایی قوی و قاطع بوده است. افراد با ارائه صورت‌های مالی تزیین‌شده، وثایق غیرواقعی و تعهدات کاغذی مجوز گرفته و وارد عرصه بانکداری شده‌اند؛ بی‌آنکه در طول مسیر، اصلاح ساختار دارایی‌ها یا افزایش سرمایه واقعی از آنها مطالبه شود. حاصل این رویکرد رانتی‌های، خلق بانک‌هایی است که در ظاهر سرپا هستند، اما در عمل مانند حباب‌های مالی بزرگ عمل می‌کنند.

تاریک‌خانه تراستی‌ها؛ راه‌اشدگی ارز در میان حساب‌های خصوصی

ایجاد ناسامانی در شبکه بانکی تنها به بی‌قنایتی سرمایه محدود نمی‌شود و به بخش ارزی و حیاط‌خوالت‌های آن نیز سرایت کرده است. یکی از مهم‌ترین محوره‌های سخنان رئیس سازمان بازرسی، مسئله «تراستی‌های بانکی» و کارگزاران ارزی است. در شرایط تحریم، تراستی‌ها به ابزاری برای دور زدن محدودیت‌ها و انتقال منابع ارزی تبدیل شدند، اما غفلت از نظارت بر آنها، این حوزه را به بستر امنی برای سوءاستفاده‌های هگفت بدل کرد. خدایان با انتقاد از شانه خالی کردن بانک مرکزی از مسئولیت مدیریت و نظارت بر تراستی‌ها تأکید کرده است که طبق قانون، مدیریت نظام ارزی تماماً بر عهده بانک مرکزی است. رسوب طولانی‌مدت منابع ارز کشور نزد برخی کارگزاران، عدم اخذ وثایق کافی و کارشناسی‌نشده و تعلل در پیگیری‌های حقوقی و قضایی، باعث شده میلیاردها دلار از منابع ارزی کشور معطل یا در مخاطره قرار گیرد. هرجند با ورود دستگاه قضایی، مصوباتی برای حذف



آمارهای رسمی، از وضعیت نگران کننده سرمایه بانک‌ها و عملکرد نظارتی حکایت دارد؛ از ۲۷ بانک و مؤسسه اعتباری فعال، تنها ۱۳ بانک حداقل استانداردها کفایت سرمایه را دارند و در سوی دیگر، پرونده‌هایی مانند رسوب منابع ارزی و تخلف ۱۵ میلیارد دلاری، ابداً عمیق‌نظر از این بحران را آشکار کرده است.

به گزارش اقتصاد۲۴، نظام بانکی ایران سال‌هاست که از ناترازی‌های ساختاری، بدیهی‌های انباشته و ضعف شدید نظارتی رنج می‌برد، اما اظهارات اخیر ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، اخبار تازه‌ای از این بحران عمیق را آشکار ساخته است. بر اساس گزارش‌های رسمی اعلام شده، از میان ۲۷ بانک و مؤسسه اعتباری فعال در کشور، تنها ۱۳ بانک از حداقل نسبت «کفایت سرمایه» استاندارد (۹۰ درصد) برخوردارند، یعنی بیش از نیمی از شبکه بانکی ایران از نظر شاخص‌های پایه‌ای سلامت مالی در وضعیت قرمز یا هشدار قرار دارند. این آمار تکان‌دهنده بار دیگر این پرسش اساسی را مطرح می‌کند که بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر و سیاست‌گذار اصلی، تا چه اندازه به وظایف نظارتی خود عمل کرده و چرا کار به جایی رسیده که سرمایه نظام بانکی به این میزان بی‌رق و آسیب‌پذیر شده است؟

۱۳ بانک سالم، ۱۴ بانک مسئله‌دار

نسبت کفایت سرمایه، حاصل تقسیم سرمایه پایه به دارایی‌های موزون‌شده به